

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اکبر نوروزی
۰۲ اگست ۲۰۲۱

صهیونیسم و خلق فلسطین



اگر از تو درباره غزه پرسیدند

بگو به آنها

در آنجا شهیدی است

که شهیدی را حمل می کند

و شهیدی

از وی عکس می گیرد

و شهیدی

او را بدرقه می کند

و شهیدی بر وی نماز می خواند (۱)

محمود درویش شاعر و نویسنده فلسطینی

(۱) حمزه ناصر ۱۱ ساله دیروز برای کشته شدن پدرش گریه می کرد امروز ما برای کشته شدن حمزه.....

حملات اخیر ارتش جنایتکار اسرائیل به توده های فلسطینی و بمباران وحشیانه خانه و کاشانه آنها که منجر به خاک و خون کشیدن زنان و کودکان و مردمان بی دفاع فلسطین گشت، صفحه خونین دیگری بر تاریخ سراسر کشتار و جنایت دولت اسرائیل و اربابان امپریالیست و حامیان صهیونیستش علیه مردم فلسطین افزود.

دولت صهیونیستی اسرائیل در ادامه جنایات و کشتارهای ددمنشانه اش، دلیل تهاجم و کشتار انسان های بی گناه اخیر خود در نوار غزه را "راکت پرانی" گروه حماس و دیگر جریانات ارتجاعی اسلامی که آنها را وابسته به رژیم جمهوری اسلامی می داند- اعلام کرد. اما این دولت اولاً نگفت که بمباران کردن خانه و کاشانه زحمتکشان غیر نظامی در غزه چه ارتباطی به ادعای مبارزه با گروه ضد انقلابی حماس و دیگر جریانات اسلامی دارد و ثانیاً این امر غیر قابل انکار است که حمله وحشیانه اخیر ارتش سرکوبگر اسرائیل در ادامه سیاست های ضد مردمی، نسل کشی و باز پس گیری خانه و کاشانه توده های زحمتکش فلسطین صورت گرفت که با راکت پرانی حماس آن را توجیه نمود.

این بار نیز بیرون راندن تعدادی از خانواده های فلسطینی از محله شیخ جراح در بیت المقدس و اسکان دادن مهاجران اسرائیلی به جای آنها دلیل اصلی حمله ددمنشانه آنان به فلسطینی های تحت ستم در نوار غزه بود که خود این تصمیم مغایر با قرارداد سال ۱۹۵۶ بین اسرائیل و دولت اردن می باشد. مقامات اسرائیلی مدعی آنند که زمین هایی که فلسطینی ها خانه های خود را بر روی آنها ساخته اند، متعلق به یهودیانی می باشد که در قرن نوزدهم آن زمین ها را خریده اند. در حالی که در مشاجرات پیشین، آن زمین ها توسط ملل متحد در اختیار این خانواده ها قرار داده شده است. از سوی دیگر این ادعا در شرایطی مطرح می شود که دولت صهیونیستی اسرائیل به زور جنگ و کشتار مردم فلسطین و با حمایت امپریالیست های جنایتکار بیش از ۷۰ سال است که سرزمین فلسطین را اشغال نموده و مردم فلسطین را مجبور به ترک سرزمین و خانه و کاشانه خود کرده است، جنایتی که سبب شده ملت فلسطین امروز به عنوان یک ملت بدون سرزمین آواره کشور های دیگر شود.

از نظر تاریخی زمانی که "اعلامیه بالفور" به وسیله امپریالیسم انگلیس نوشته شد و "آژانس یهود" تشکیل گردید، مهاجرت یهودیان با پوشش قانونی به فلسطین تشدید شد. به طور منطقی این امر با اعتراضات و مخالفت های شدید ساکنین فلسطین چه مسلمان بودند و چه مسیحی مواجه گردید و با این که آن اعتراضات به شکل مسالمت آمیز علیه سیاست های انگلستان صورت می گرفت، در تابستان سال ۱۹۲۹ سربازان انگلیس و صهیونیست ها با گلوله های جنگی به معترضین تیراندازی کرده و بیش از ۳۵۰ نفر از فلسطینی ها را قتل عام و صدها نفر را زخمی و تعداد بی شماری را دستگیر و روانه زندان های قرون وسطایی خود کردند.

بعد از جنگ جهانی دوم با تشویق امپریالیسم انگلیس و به خصوص امپریالیسم آمریکا و صهیونیست ها از سراسر جهان مهاجرت یهودیان به فلسطین سرعت بیشتری بخود گرفت. در ۹ آوریل ۱۹۴۸ سازمان تروریستی و نژادپرست "ایرگون" به رهبری مناخیم بگین یکی از مسئولین سابق دولت اسرائیل- به روستای "دیر یاسین" حمله کرده و بیش از ۲۵۰ نفر از ساکنان این روستا را قتل عام نمودند که نیمی از قربانیان این جنایت فجیع از زنان و کودکان بی گناه بودند. این جنایت به قصد ایجاد وحشت در میان مردم فلسطین صورت گرفت تا آنها را مجبور به ترک سرزمین خود بکند. با انجام چنین جنایت هایی از روز ۹ آوریل تا روز اعلام موجودیت رژیم اشغالگر اسرائیل یعنی ۴ مه ۱۹۴۸ بیش از ۳۰۰ هزار نفر از ساکنان سرزمین فلسطین به کشورهای عربی گریختند.

از کشتارهای دسته جمعی دیگر اسرائیلی ها در فلسطین میتوان از کشتار "ایکریت" در سال (۱۹۵۳) "عکا ژوئن" (۱۹۵۶) "کفر قاسم" (۱۹۶۳) نام برد که در تمامی این جنایات فجیع و ضد بشری امپریالیست های آمریکا و انگلیس وسیعاً به حمایت و پشتیبانی از دولت صهیونیستی اسرائیل پرداختند. بعد از کشتارهای سال های یاد شده حدود یک

میلیون فلسطینی از مجموع یک میلیون و نهصد هزار فلسطینی ساکن مناطق اشغالی، آواره گردیدند. آنان در نوار غزه، اردن، لبنان، سوریه، مصر، عراق در کمپ های پناهندگی اسکان داده شدند.

در سال ۱۹۶۷ در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل دولت صهیونیستی اسرائیل نه تنها خاک فلسطین بلکه بخش هایی از سرزمین های کشورهای عربی را نیز به اشغال خود در آورد. البته به رغم این پیروزی در نبرد "الکرامه" از نیرو های جنگنده فلسطینی شکست سختی خورد، شکستی که به رسوائی بزرگی برای تبلیغات دولت اسرائیل مبنی بر شکست ناپذیر بودن ارتش اسرائیل بدل شد. از تشکیل الفتح در ۱۹۶۴ و سپس پیروزی نبرد الکرامه در ۱۹۶۷ به تدریج سازمان های فلسطینی گسترش یافتند و سازمان هایی مانند "سازمان آزادیبخش فلسطین" و "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" بوجود آمد و باعث پیوستن هزاران جوان عرب به این سازمان ها گردید.

بنابراین با گسترش مبارزه علیه دولت اسرائیل، امپریالیسم امریکا و صهیونیست ها با طرح "دکترین نیکسون" عرب ها را به جنگ عرب ها کشاندن و برای شکست دادن جنبش انقلابی فلسطین از مرتجعین عرب مانند ملک حسین پادشاه سابق اردن، یکی از چهره های مطلوب شان برای طرح "دکترین نیکسون" استفاده کردند. ملک حسین با ارتش تجهیز شده از سوی آمریکا و با کمک و پشتیبانی مستشاران امریکایی به محاصره اردوگاه های فلسطینی دست زد. در جریان این محاصره و در طی دو روز کشتار و جنایت ضد بشری بوسیله ارتش اردن، بیش از ۵ هزار نفر از نیروهای مبارز و آواره را به قتل رساند. از دیگر کشتارهای جنایتکارانه دشمنان مردم فلسطین می توان به کشتار اردوگاه های "صبرا و شتیلا" که توسط فالانژهای لبنان و با حمایت ارتش اسرائیل رخ داد، اشاره کرد. فالانژهای لبنان در عصر روز ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ با محاصره کامل اردوگاه پناهندگان "صبرا و شتیلا" به آن یورش برده و تا صبح روز شنبه ۱۸ سپتامبر به وحشیانه ترین شکل، بیش از ۳۵۰۰ نفر از آوارگان فلسطینی و لبنانی را به قتل رساندند.

مزدوران فالانژ پس از رسیدن به اردوگاه ها شروع به قتل عام ساکنان اردوگاه ها کردند. این کشتارها حتی در شب نیز با روشن کردن محوطه اردوگاه توسط اسرائیلی ها ادامه داشت. آنان به زور وارد خانه های مردم می شدند و فلسطینی های در خواب را به رگبار می بستند. در این مورد "وجنات زین عبدالطیف" یکی از جان بدربرندگان این جنایت می گوید: "روز جمعه به بیمارستان غزه پناه بردم و آنها صبح شنبه ما را محاصره کردند و فلسطینی ها را که شامل زنان و کودکان نیز می شدند از دیگران جدا کرده و به یک ورزشگاه بردند و در چاله هایی که بر اثر بمباران حفر شده بود، انداخته و گفتند، همه دراز بکشند سپس بر روی همه آتش گشودند و در آخر با سه بولدوزر بر روی آنها چه زنده و چه مرده خاک ریختند".

یکی دیگر از جنایاتی که در حق مردم فلسطین صورت گرفته کشتار دست جمعی فلسطینیان در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۷۶ در تل زعتر در لبنان به دست مسیحیان فالانژ وابسته به اسرائیل بود که در جریان آن ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ فلسطینی کشته شدند.

آری واقعیت این است که صهیونیسم یک جریان ناسیونالیستی متعصب و ارتجاعی است که به ایدئولوژی رسمی دولت تجاوزگر اسرائیل بدل گردیده است و متعلق به بورژوازی یهود می باشد. این جریان طی سالیان درازی که شاهد آن هستیم اهداف خود را تحریک کردن احساسات ناسیونالیستی و تعصب های ملی زیر پرچم صهیونیسم با مبارزه علیه نیروهای مترقی قرار داده و به حربه ای در خدمت محافل ارتجاعی و امپریالیستی تبدیل گردیده است. صهیونیست ها، بورژوازی یهود را با محافل انحصاری امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی ادغام کرده اند. قدرت های امپریالیستی از صهیونیسم که محتوای اصلی آن شوینیسم جنگ طلبانه و ضد کمونیسم می باشد تاکنون در توطئه های ضد ملی، ضد جنبش های آزادی بخش و ضد سوسیالیسم سود فراوانی برده و می برند. این واقعیت ها که به طور

خلاصه به آنها اشاره شد تاریخ جنایات و اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیست ها و اربابان امپریالیستی اشان بر علیه خلق فلسطین می باشد.

حملات کنونی اسرائیل به غزه و کشتار مردم بی گناه فلسطین همچون گذشته تهاجم یک نیروی سرکوبگر و اشغالگر به مردم فلسطین و نسل کشی آنان می باشد. به همین دلیل هم دولت اسرائیل خود بارزترین جلوه ارتجاع و بزرگترین منبع تهدید امنیت و سرکوب مردم تحت ستم منطقه بوده و می باشد. این دولت جنایتکار و اشغالگر همواره توسط امپریالیست ها و به خصوص امپریالیسم آمریکا پشتیبانی شده است تا بتواند با دست باز سیاست های ارتجاعی خود را علیه مردم فلسطین و کل توده های تحت ستم منطقه خاورمیانه پیش ببرد.

شکی نیست که حماس هم یک نیروی ارتجاعی اسلامی است که خود دولت اسرائیل در بوجود آوردن آن به عنوان نیرویی در مقابل "حکومت خود گردان فلسطین" در غزه و نوار عربی در زمانی که یاسر عرفات و سازمان آزادیبخش فلسطین در راس آن بودند، نقش داشته و این جریان ارتجاعی همانطور که مردم ایران و جهان سال هاست شاهد آن هستند، تا حدی تحت حمایت و پشتیبانی رژیم جمهوری اسلامی می باشد. جریان ارتجاعی حماس در سال ۲۰۰۶ در نوار غزه به قدرت رسید و در این منطقه به نیروی مسلط بدل شد. بر همین مبنا است که دولت اسرائیل اهداف جنایتکارانه خود در منطقه را با بهانه های گوناگون در رابطه با حماس پیش می برد. دولت اسرائیل همچنین از جریانات ارتجاعی دیگری مانند جهاد اسلامی، حزب الله و غیره جهت پیشبرد سیاست های ضد مردمی خود سود برده و به این بهانه می کوشد تا مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی مردم منطقه را به انحراف بکشاند. واقعیت تلخ این است که دولت اسرائیل همانطور که به آن اشاره گردید با دستاویزهای گوناگون چون موشک پرانی حماس و گروه های ارتجاعی و وابسته دیگر، زنان، کودکان، نوجوانان، مردان و دیگر اقشار زحمتکش و کارگر فلسطین را مورد حمله و تجاوز و قتل قرار می دهد و با ادعای این که گروه حماس از خانه های مردم موشک پرتاب می کند بیمارستان ها، مدارس، ساختمان های مسکونی، مراکز درمانی، آموزشی و غیره را به آتش و خون می کشاند. با این همه آنها این ادعای مضحک را هم دارند که گویا مناطق مورد حمله خود را به دقت انتخاب می کنند که البته با در نظر گرفتن کشتار مردم غیر نظامی بی دفاع مشخص می شود که منظورشان از دقت چه می باشد. آری، مناطق مورد حمله دولت اسرائیل به درستی و با دقت انتخاب می شوند. آنها ساختمان های مسکونی، بیمارستان ها و غیره را که مردم بی گناه در حین بمباران وحشیانه ارتش اسرائیل، به این مکان ها پناه می برند را انتخاب!! می کنند و شکارچیان انسان، دقیقاً همان محل های انتخاب شده را هدف خود قرار می دهند.

سال هاست که دولت های سرمایه داری، بخصوص در آمریکا و اروپا برای پشتیبانی از جنایات اسرائیل عملکرد های وحشیانه اسرائیل را "دفاع از خود" جلوه داده و به بهانه این که برای اسرائیل "حق دفاع" قایل می باشند به توجیه جنایات این رژیم اشغالگر می پردازند. اما این حق دفاع در واقع به مفهوم تداوم حق تجاوز و اشغال برای اسرائیل می باشد. بر این اساس امروز شعارهای مشمئز کننده ای مانند حق دفاع، حفظ امنیت منطقه، صلح و غیره، تنها خشم و نفرت هر چه بیشتر مردم جهان را علیه صهیونیسم فزونی می بخشد.

در خاتمه باید تاکید نمود که سال هاست که اسرائیل با حمایت و پشتیبانی صهیونیست ها و امپریالیست های جنایتکار، با تجاوز به سرزمین فلسطین و اشغال آن و با قتل عام خلق فلسطین ضمن نقض آشکار حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین سلطه دمدنشانه خود را بر آنان تحمیل کرده است. بنابراین تنها راه تحقق حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین مبارزه قاطع و بی چون و چرا علیه سلطه امپریالیسم و صهیونیسم در خاک فلسطین می باشد و مبارزات انقلابی خلق فلسطین تحت یک رهبری انقلابی، یکی از عوامل موثر و تعیین کننده در این راه است. در همین رابطه و در چنین

شرایطی وظیفه تمام نیروهای واقعا انقلابی و آزادیخواه می باشد که با تمام قوا، جنایات همیشگی و کنونی دولت اسرائیل و تداوم نسل کشی مردم رنجدیده ولی آزاده فلسطین را محکوم و چهره جنایتکارانه و فریبکارانه قدرت های امپریالیستی مانند آمریکا و اروپا را در عرصه جهانی افشاء سازند، قدرت هائی که با توسل به سازمان ملل و نهادهای وابسته به این نهاد و با توسل به یاهو گوئی هائی مانند حق "دفاع از خود" دولت اسرائیل زنجیر های اسارت خلق فلسطین را محکم نموده و می نمایند.

پیروز باد مبارزات خلق فلسطین برای آزادی

ننگ و نفرت بر دولت اشغالگر اسرائیل

مرگ بر امپریالیستها و صهیونیستها، این متجاوزین به حقوق مردم فلسطین

خرداد[جوزا] ۱۴۰۰

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۶۴، تیر ماه[سرطان] ۱۴۰۰